

کارکردهای ارتباط معنوی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عرصه خانواده

فاطمه الشرع^۱، طاهره عبداللهی^۲

چکیده

مسئله مهدویت به خاطراهمیت، ضرورت، گستردگی و ابعاد متعدد آن از منظرهای مختلف و زوایای گوناگون قابل بررسی است که یکی از این مباحث ارتباط معنوی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در پژوهش حاضر کارکردهای ارتباط معنوی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عرصه خانواده در سه حوزه اعتقادی، عاطفی و اخلاقی با استفاده از فرمایشات اهل بیت علیهم السلام مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به اهمیت انس با آن حضرت در خانواده و بین اشخاصی که ارتباط معنوی را مخصوص افراد ویژه ای می دانند، این ارتباط نه تنها به زندگی امنیت و آرامش می بخشد بلکه رابطه ای که اعتقادی، عاطفی، اخلاقی باشد تمام کاستی های زندگی افراد را نیز کامل می کند. محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و پیوند خانواده با امام از کارکردهای عاطفی و نیز رشد فضایل و دوری از ردایل در عرصه اخلاقی از مهمترین یافته های این پژوهش می باشد. از آثار بررسی این کارکردها ترغیب و تقویت ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عرصه خانواده است.

واژگان کلیدی: خانواده، مهدویت، ارتباط معنوی، اخلاق، امام

زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۱. دانش پژوه کارشناسی علوم قرآن و حدیث از عراق، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: fyalsharaa35@gmail. com

۲. دانش آموخته دکتری تفسیر تطبیقی، مدرس گروه علمی - تربیتی علوم قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی

العالمیه، قم، ایران.

Email: t- abdollahi@miu.ac.ir



در عصر حاضر اغلب افراد تصور می‌کنند ارتباط معنوی، يك ارتباط با شرایط خاص برای افراد ویژه‌ای است به همین دلیل ممکن است بیشتر مردم در غفلت از یاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به سربرند و شاید در گرفتاری‌ها و حوائج دنیایی خویش به آن حضرت متوسل شوند یا تنها در جشن میلادشان ایشان را یاد کنند، اما از آن غافلند که در واقع ارتباط با امام عجل الله تعالی فرجه الشریف يك رابطه و صله ریشه‌دار است و ثمره ناشی از این ارتباط فراتر از ارتباط‌های مادی و دنیوی است و ویژه یک فرد دارای شرایط خاص نیست بلکه برای تمام امت‌هاست و مؤمن و کافر ندارد، هرکس تلاش کند این محبت ارزشمند و ارتباط مقدس را می‌تواند کسب کند. این ارتباط کارکردهای مختلفی دارد که شامل کارکردهای اعتقادی، عاطفی و اخلاقی در عرصه خانواده است. از آنجایی که خانواده اولین نهاد اجتماعی است که در آن افراد خانواده می‌توانند به همدیگر در رشد و ارتقای مباحث اعتقادی، عاطفی و اخلاقی کمک کنند، ارتباط معنوی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عرصه خانواده هم می‌تواند قابل توجه باشد و چون این ارتباط کارکردهای مختلف دارد، پژوهش حاضر به دنبال این است که کارکردهای ارتباط معنوی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عرصه خانواده را بررسی نماید.

ارتباط معنوی و کارکردهای ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عرصه خانواده یک بحث مهدوی (اعتقادی) است که در علوم مختلف و از منظر روایات مورد بررسی است و از آنجایی که خانواده به دنبال کمال و سعادت است، توجه به ارتباط معنوی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌تواند تصویب‌کننده و تسهیل‌گر هدف نهایی خانواده باشد. هرچند بحث مهدویت از مباحث اعتقادی است، دارای کارکردهای مختلفی در زمینه‌های اعتقادی، عاطفی و اخلاقی است که پژوهش حاضر در صد بررسی این نوع کارکردهاست.

۲. چارچوب نظری پژوهش

۲-۱. کارکرد ارتباط معنوی

در فرهنگ عمید «کارکرد» به معنای کار، کردار، عمل و کاری که انجام یافته و اندازه و مقیاس کارانجام شده، آمده است. (عمید، ۱۳۸۹، ص ۸۲۹) منظور از ارتباط، پیوند، پیوستگی، وابستگی، رابطه داشتن، رفت و آمد داشتن و تماس برقرار کردن با کسی از طریق مخصوص می باشد (عمید، ۱۳۸۹، ص ۹۰). در اقرب الموارد ارتباط از «ربط» به معنای بستن آمده است. طبرسی در ذیل آیه ۲۰۰ سوره آل عمران می نویسد: «ربط به معنی بستن است و از آن است که گویند "ربط الله علی قلبه بالصبر؛ خداوند با صبر قلب او را بست یعنی محکم کرد" و "رَبَّطَ الْأَمْرَ وَاطْلَبَ عَلَيْهِ؛ یعنی، بر کار مواظبت کرد"» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۹۱۸/۲؛ قرشی بنایی، ۱۳۷۱، ۴۷/۳). همچنین منظور از «معنوی» به حالت نفس و باطن و آنچه که خلاف مادیات است (بستانی، ۱۳۷۵، ۸۴۲/۱). در تاج العروس منظور از معنوی، معنایی است که با قلب شناخته می شود (الحسینی الزبیدی، ۱۳۸۵ هـ.ق، ۷۱۱/۱۹). در نوشتار حاضر منظور از کارکرد ارتباط معنوی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عرصه خانواده، بیان این مطلب است که چگونه یک خانواده با عملکرد خود در عرصه اعتقاد و اخلاق و عاطفه می تواند در سایه ارتباط و انس با حضرت، سنجیت روحی و رفتاری به وجود آورد.

۲-۲. کارکردهای اعتقادی

ارتباط معنوی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظر اعتقادی کارکردهایی را در پی دارد که عبارتند از: معرفت امام، اعتقاد به هدایتگری حضرت، اعتقاد به وجود و حضور معنوی حضرت، اعتقادی به دعا کردن حضرت و اهتمام ایشان به شیعیان و اعتقاد به عرضه اعمال. بدین معنا که ولایت قلبی و روحی حضرت بر مردم و آگاهی از تمام حالات مردم نه فقط برای امام حاضر ظاهر بین مردم بلکه برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در زمان غیبت خود تمام این ویژگی ها را دارد که خانواده مرتبط را

با این اعتقادات در وقت درماندگی و قطع امید از همه جا، به امام دوازده عجل الله تعالی فرجه الشریف متوسل می شوند و حضرت نیز دستگیری می فرماید.

۳-۲. معرفت امام

معرفت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف تنها راه حفظ دین در زمان غیبت است. (بنی هاشمی، ۱۳۸۸، ۱۵۱/۳) چنانچه امام صادق ع در دعای زمان غیبت فرمودند: «پروردگارا! خود را به من بشناسان که اگر خود را به من نشناسانی، نمی توانم پیغمبرت را بشناسم. پروردگارا! پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را به من نشناسانی، نمی توانم حجت تو را بشناسم. پروردگارا! حجت خود را به من بشناسان که اگر حجت خود را به من نشناسانی دین خود را از دست می دهم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۱، ۹۲۴ و ۹۲۳). مراد از شناخت امام، شناختن نام و نسب امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و صفات و ویژگی های امام است: «بدون تردید مقصود از شناختی که امامان که تحصیل آن را نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف امر فرموده اند، این است که شیعیان آن حضرت را آنچنان که هست، بشناسند. به گونه ای که این شناخت سبب در امان ماندن شیعیان از شبهه های ملحدان و مایه نجات آنها از اعمال گمراه کننده مدعیان دروغین باشد و چنین شناختی، جز به دو امر حاصل نمی شود: اول، شناختن شخص امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام و نسب. دوم، شناخت صفات و ویژگی های ایشان و به دست آوردن این دو شناخت از اهم واجبات است» (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۳، ۱۵۰/۲).

۳-۱. شناخت نسبی

شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مراتب مختلفی دارد. اولین مرتبه معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفت به اسم حضرت است. در برخی روایات آمده است که نام و کنیه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف همان نام و کنیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است: رسول خدا صلی الله علیه و آله: «... رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فرزندم، مهدی، نامش نام من است و کنیه اش کنیه من. اشبه الناس است به من در خلقت و اخلاق، يك غیبتی دارد...» (صدوق، ۱۳۹۵، ۱/۲۸۶). رسول خدا صلی الله علیه و آله همچنین فرمود: «مهدی از عترت و ذریه من و از فرزندان فاطمه است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۱، ۱۰۲)؛ «يُولَدُ مِنْهُمَا يُعْنَى الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ مَهْدِي

هَذِهِ الْأُمَّةُ أَقُولُ: قد عرفت أنه من ولد الحسين باعتبار الأب و من ولد الحسن باعتبار الأم»
(حرعاملی، ۱۳۷۰، ۲۵۰/۵).

ممکن است برای برخی از افراد در مورد این روایت سؤال پیش آید که چرا در برخی روایات آمده است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل حسین علیه السلام است و در بعضی دیگر آمده است که از نسل امام حسن و حسین علیه السلام است؟ این روایات اشاره به این است که چون مادر امام محمد باقر علیه السلام دختر امام حسن علیه السلام است، نسل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به امام حسن علیه السلام نیز می‌رسد. بنابراین، هیچ‌گونه منافاتی ندارد که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طریق امام حسین علیه السلام از نسل فرزند پسری و از امام حسن علیه السلام از نسل فرزند دختری باشد. (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷، ۱۵۳/۲)
امام علی علیه السلام در خطبه ۱۸۲ نیز فرمود: «...آن حضرت باقیمانده باقیمانده‌های حجت خدا (ائم‌ه هدی علیه السلام) و جانشین جانشین‌های پیغمبران او می‌باشد» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، ص ۵۹۴). بنابراین، اولین وظیفه‌ای که خانواده به عهده دارد این است که فرزندان خود را از کودکی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آشنا کند و ایشان را با نام، کنیه، پدر و... به فرزندان خود معرفی کند تا از کودکی با حضرت الفت و انس پیدا کنند.

۲-۳-۲. شناخت ویژگی‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

دومین مرتبه از مراتب معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شناخت اوصاف و ویژگی‌های اخلاقی است که در روایات آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردی از خاندان و فرزندان من است، چهره‌اش همچون ستاره درخشان است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۰/۵۱). در روایت دیگری فرمود: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این امت از ماست، او هیبت و شکوه موسی، جلوه و درخشندگی عیسی، حکم داود و صبر ایوب را داراست» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۰۳/۳۲). همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: «از بزرگ‌ترین آزمون‌ها آن است که پیشوایشان خروج و ظهور می‌کند به صورت جوان، درحالی که آنان می‌پندارند او پیر و سالخورده است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۷۸/۵۲). از امام محمد باقر علیه السلام نیز نقل است: «عمر بن الخطاب نزد امیرمؤمنان علیه السلام رفت و پرسید: نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟ ایشان فرمود: حبیبم، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با من پیمان بسته که نام او را به کسی نگویم تا زمانی که

خداوند او را برانگیزد. گفت: صفات او را بیان کنید! فرمود: جوانی است متوسط القامة، نیکورو خوش مو و مویش تا پشت دوشش می‌ریزد. نور رخسارش سیاهی محاسن و سرش را تحت الشعاع قرار داده. پدرم فدای فرزند بهترین کنیزها! (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۸۷/۵۲). همچنین فرمود: «مهدی، طاووس اهل بهشت است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۹۱/۵۱).

امام علی علیه السلام در خطبه ۱۸۲ نهج البلاغه که در بیان اوصاف رفتاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شناخت نسبی مطرح شده است، فرمود: «قَدْ لَيْسَ لِلْحِكْمَةِ جُنَّتُهَا وَ أَحَدَهَا بِجَمِيعِ أَدَبِهَا مَنْ الْإِقْبَالِ عَلَيْهَا وَ الْمَعْرِفَةِ بِهَا وَ التَّفَرُّغِ لَهَا، فَهِيَ عِنْدَ نَفْسِهِ ضَالَّةٌ أَلَّتِي يَطْلُبُهَا وَ حَاجَتُهُ أَلَّتِي يَسْأَلُ عَنْهَا، فَهُوَ مُعْتَرِبٌ إِذَا اغْتَرَبَ الْإِسْلَامَ وَ ضَرَبَ بِعَسِيبِ ذَنْبِهِ وَ أَلْصَقَ الْأَرْضَ بِجِرَانِهِ...». براساس این خطبه اوصاف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عبارتند از:

اول) امام زمان علیه السلام سپر حکمت (علم به حقائق اشیاء و زهد و عبادت) را پوشیده و آن را با شرایطش یعنی، توجه و شناختن و فارغ ساختن خود از علاقه به دنیا برای آن فرا گرفته. پس حکمت نزد آن حضرت گم شده‌ای است که آن را طلبیده و آرزویی است که آن را درخواست نموده است و اندیشه او همواره متوجه به آن است و به غیر آن نظر ندارد؛

دوم) چنانکه امام علیه السلام فرموده: «الحكمة ضالة المؤمن؛ حکمت گم شده مؤمن است» که همیشه در صدد یافتن آن است. پس آن بزرگوار پنهان شده گوشه‌ای اختیار نماید، هرگاه فتنه و تباهاکاری بسیار گشته، اسلام غریب (ضعیف و ناتوان) گردد؛

سوم) این خطبه اشاره به فرمایش حضرت رسول صلی الله علیه و آله است که فرمود: «بدء الاسلام غريبا و سيعود غريبا؛ اسلام غریب و تنها پیدایش یافت و زود است که تنها گردد»، یعنی پیرو واقعی نداشته باشد. (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، ص ۵۹۴) خانواده‌ها باید در بیان صفات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و معرفی ایشان به فرزندان خود دقت داشته باشند؛ چراکه گاهی با بی‌توجهی، چهره خشن و بی‌رحمی از امام ترسیم می‌شود و به جای محبت، ترس و بی‌میلی و فرار از آن حضرت در دل فرزندان القا می‌شود. اگر خانواده‌ها زیبایی و صفات نیک حضرت را به زبان کودکانه بیان کنند، آنها عاشق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شوند، چنانچه امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند بنده‌ای که ما را

نزد مردم محبوب کند، رحمت نماید. همانا به خداوند سوگند! اگر سخنان زیبای ما را برای مردم روایت می‌کردند به سبب آن عزیزتر می‌شدند». در این باره نیز ممکن است فرزندان سوال کنند که معرفت درست و لازم را از چه کسی دریافت کنند؟ معرفت از نظر پیشوایان چیزی جز فهم احادیث نیست و این خود میزانی است برای تشخیص معرفت صحیح به طوری که در هر بابی، احادیث مربوط به آن، معیار صحت معرفت در آن باب است. در اصل، هیچ علمی جز از ناحیه اهل بیت علیهم‌السلام به دست نمی‌آید و منظور از علم، آن حقیقت نوری است که خداوند در قلب هر کس که بخواهد قرار می‌دهد و او را هدایت می‌نماید (بنی هاشمی، ۱۳۸۸، ۲/۳۲۴ و ۳۵۲).

در مورد جمله سوم دعای فوق که گفته شده «وَالْمَعْرِفَةُ بِهَِا» می‌توان به روایتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استناد کرد: «هرکس بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناخته به مرگ جاهلیت مرده است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۳۵/۷۲). بنابراین، برای پیشگیری از وقوع مرگ جاهلی خانواده باید سعی کند که معرفت خود را به امام زمان علیه‌السلام چه از راه اکتسابی چه از راه قلبی افزایش دهد؛ چرا که امام پیشوای امت اسلامی است و تمام قول، فعل و احکام ایشان حجت است و تبعیت از ایشان لازم و واجب است. خانواده (پدر و مادر) با این روش و تلاش می‌تواند امام را بهتر به فرزندشان معرفی کند تا به مرگ جاهلیت دچار نشوند، با این اعتقاد هم خانواده و هم فرزندان‌شان از حیرت و سرگردانی و جهل خارج شده و به سوی نور الهی هدایت می‌شوند. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۴۳۲ و ۴۳)

۲-۳-۳. اعتقاد به حضور معنوی امام زمان علیه‌السلام

غائب بودن امام زمان علیه‌السلام به این معنا نیست که وجود ایشان در عصر غیبت يك وجود نامرئی و رؤیایی است بلکه حضرت يك زندگی طبیعی عینی و خارجی دارد، ولی به طور ناشناس و فرق زیادی است میان «ناشناس» و «نامرئی». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۰) از امیر المومنین علیه‌السلام روایت شده است: «به پروردگار علی سوگند! که همان وقت حجت امت برپاست و در کوچه‌هایش رفت و آمد می‌کند و به خانه‌ها و کاخ‌هایش داخل می‌شود و در خاور و باختر به گردش است، سخن مردم را می‌شنود و بر جماعت‌شان سلام می‌کند، می‌بیند و دیده نمی‌شود تا وقت و

وعده‌اش فرارسد و منادی از آسمان ندا دهد هان! که امروز روز شادی فرزندان و شیعیان علی است» (نعمانی، ۱۳۵۹، ۱/۱۴۲-۱۶۲).

با توجه به شئون و تصرفات امام عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در جهان که در روایات نیز بیان شده است این نتیجه به دست می‌آید که لازم و ضروریست خانواده در پاسخ به پرسش‌های فرزندان‌شان، حقیقت غیبت را به صورت درست بیان کنند که غیبت حجت خدا، غیبت کلی نیست، بلکه جزئی است و با بیان برخی از داستان‌های انبیاء همانند داستان‌های غیبت انبیاء مثل حضرت ابراهیم ع‌الیه‌السلام، حضرت یوسف ع‌الیه‌السلام و... (ر.ک.، صدوق، ۱۳۹۵، ۱/۱۴۰-۱۴۳) فرزندان را بهتر راهنمایی کنند.

۲-۳-۴. اعتقاد به هدایتگری حضرت

امامان شیعه، رکن‌های زمین و هادیان امت هستند، چنانچه امام رضا ع‌الیه‌السلام فرمود: «الإمامُ الْبَدْرُ الْمُنِيرُ وَالْبِرَاجُ الزَّاهِرُ وَالتُّورُ السَّاطِعُ وَالتَّجْمُ الْهَادِي فِي غِيَابِ الدُّجَى وَالْبَلَدِ الْقَفَارِ وَلُجَجِ الْبَحَارِ الْإِمَامُ الْمَاءِ الْعَذْبِ عَلَى الظَّلَمِ وَالْدَّالُّ عَلَى الْهُدَى وَ الْمُنْجِي مِنَ الرَّدَى...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۲۳/۲۵). در این روایت، امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به ستاره هدایت‌کننده تشبیه شده است؛ چون در گذشته، راه‌ها، افق‌ها و جهت قبله را با ستارگان پیدا می‌کردند و بدین معنا که امام در عمق تاریکی‌های شب ستاره راهنماست که سالک را راهنمایی می‌کند. امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ستاره هدایت در شهرها و کویرها و گرداب‌های دریاهاست. امام انسان را نجات می‌دهد و دلیل و راهنماست بر هدایت و نجاتبخش است از هلاکت و گمراهی. امام عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مانند مشعلی است فروزان برفراز بلندی در شب تاریک و آتشی است روشن برای گمراهانی که از اطراف و اکناف گم شده‌اند، گرمابخش است برای کسی که دنبال گرماست. امام در مهلکه‌ها راهنماست، کسی که جدا بشود و از او مفارقت کند، در هلاکت خواهد افتاد.

خانواده‌ها با بیان این اعتقاد می‌توانند به خوبی هدایت امام عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را برای فرزندان‌شان بیان کنند با این توضیح که این هدایت، ظاهری نیست بلکه هدایت باطنی است که همان دستگیری از راه باطن و هدایت انسان از درون است که احتیاج به حضور امام و ملاقات با او ندارد، بلکه با

غیبت امام نیز امکان‌پذیر است. برخی از انواع هدایت‌ها نیز هست که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حق شیعیانش انجام می‌دهد که متوقف بر حضور و ملاقات‌های مقطعی است مثل هدایت گمشدگان، شفای بیماران و.... (حسینی، ۱۳۹۱)

۲-۳-۵. اعتقاد به دعا کردن حضرت و اهتمام ایشان به شیعیان

شیعیان همیشه مشمول دعا‌های خیر ائمه عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند، در نجم الثاقب از ملحقات کتاب انیس العابدین از ابن طاووس نقل شده است که او در سحر در سرداب مقدس از صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف شنید که آن جناب می‌فرمود: «خدایا شیعیان ما را از شعاع نور ما و بقیه طینت ما خلق کرده‌ای، آنها گناهان زیادی با اتکاء بر محبت به ما و ولایت ما کرده‌اند، اگر گناهان آنها گناهی است که در ارتباط با توسل از آنها بگذر که ما را راضی کرده‌ای و آنچه از گناهان آنها، در ارتباط با خودشان هست، خودت بین آنها را اصلاح کن و از خمسی که حق ماست به آنها بده تا راضی شوند و آنها را از آتش جهنم نجات بده و آنها را با دشمنان ما در سخط خود، جمع نفرما». (نهانودی، ۱۳۸۸، ۵۸۹/۶ و ۵۹۰)

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیع اول خود به شیخ مفید می‌فرماید: «ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم که اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه کن می‌نمودند». (طبرسی، ۱۴۰۳، ص ۳۲۳) شیعه به دلیل پیروی از حق و حقیقت همیشه مورد حمله فرمانروایان جور و معاندان و مخالفان بوده است و به کسی نیاز دارد که در سختی‌ها و گرفتاری‌ها او را یاری کند و از نابودی نجاتش دهد. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در این توقیع به شیعیانش این بشارت را می‌دهد که با وجود غیبتش، شیعیان را حمایت می‌کند و هرگز نمی‌گذارد نقشه‌های دشمنان حق به ثمر نشیند و مذهب شیعه نابود شود. گره‌گشایی‌هایی که آن حضرت در طول دوران امامت خویش انجام داده، نمونه‌هایی رسا برای صحت وعده ایشان است همانگونه که خود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «من، خاتم اوصیایم. خداوند به سبب من بلا را از اهل و شیعیانم دفع می‌کند» (صدوق، ۱۳۹۵، ۴۴۱/۲). شرح این حدیث شریف را شیخ صدوق و شیخ طوسی از ابونصر خادم نقل کرده‌اند. وقتی چنین توجهی

ازسوی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با همه آثار فراوان دعا برای مؤمنان وجود دارد، چه امری بالاتر از اینکه خانواده به جای هر چیز، مراقب اعمال خود باشد و این را نیز به فرزندانش یاد بدهد و برای تعجیل فرج آن حضرت دعا کند. بی شک امام بسیار کریم تر از آن است که یادکنندگان را فراموش کند.

۲-۳-۶. اعتقاد به عرضه اعمال

حضرات معصومین علیهم السلام شاهد و ناظر بر اعمال و رفتار مؤمنان هستند. در توقیعی که از جانب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیخ مفید رسیده است، آمده: «ما اگر چه مقیم هستیم در جای خودمان که دور از منازل ستمگران است، بر طبق مصلحتی است که خداوند برای ما و برای شیعیان مؤمن ما، مادامی که دولت فاسقین برقرار است، مقدر فرموده. پس ما مسلط هستیم و علم داریم به اخبار شما و هیچ خبری از شما برای ما پنهان نیست. ما شما را بی سرپرست رها نمی کنیم و یاد شما را فراموش نمی کنیم (به یاد شما هستیم) و اگر غیر از این بود، بر شما رنج و سختی و بلا نازل می شد و دشمنان، شما را بیچاره می کردند و اگر شیعیان ما قلوبشان را اصلاح می کردند، دل هایشان با هم و یکی باشد، برکت دیدار ما برایشان زودتر حاصل می شد. پس مانعی از دیدن ما نیست مگر آن چیزی که ما دوست نداریم و به ما می رسد...». (راوندی، ۱۳۷۸، ۶۱۳/۱) از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «در هر زمانی امامی بر گفتار و کردار مردم ناظر است و روز قیامت نزد خدا گواهی دهد، پس مواظب باشید و تقوی پیشه کنید که گواهان شما عادل و مقبولند». (کلینی، ۱۳۶۹، ۲۷۰/۱)

خانواده هایی که امام را شاهد و ناظر بر اعمال خود می دانند و به این مسئله اعتقاد دارند، همیشه تلاش می کنند که مبدا با اعمال خود موجب ناراحتی امام باشند و طوری رفتار می کنند که وقتی اعمال آنها بر امامشان عرضه شد لبخند رضایت را بر لب ایشان بنشانند. در واقع اعمال مردم هر صبح و شام به حضور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عرضه می شود و ایشان از اعمال خوب و پسندیده مردم شاد و از اعمال ناشایست آنها اندوهگین می شود. اکنون که او بر همه احوال آگاه است و آنها نیز آگاهی او را می دانند، پس باید خانواده و فرزندانشان مراقب باشند که در برابر

دیدگان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گناه انجام ندهند و از کارهایی که آن حضرت را ناخشنود می‌سازد، دوری کنند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۹؛ قرائتی، ۱۳۹۳، ص ۹۲)

۲-۴. کارکردهای عاطفی ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۲-۴-۱. محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از زوایای ناشناخته امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، مهر و محبت ایشان به انسان‌ها و به‌ویژه شیعیان است. برخی امام را تنها با شمشیر و خونریزی و قهر و انتقام معرفی کرده و چهره‌ای خشن از ایشان نشان داده‌اند، اما آن حضرت مظهر رحمت الهی و پدر مهربان امت و همدمی دلسوز و همراهی خیرخواه است چنانچه امام الرضا علیه السلام فرمودند: «الإمامُ الأئیسُ الرَّقیقُ، وَالوَالِدُ الشَّقِیقُ، وَالْأَخُ الشَّقِیقُ، وَالْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ وَ مَفْرَعُ الْعِبَادِ.....» (نعمانی، ۱۳۵۹، ۲۱۹/۱)

والدین فرزندان خود را پاره تن و قلبشان می‌دانند، تحمل ناراحتی فرزندان را ندارند، حاضرند خود به زحمت بیفتند، ولی فرزندان‌شان در آسایش و امنیت باشند. هر سختی و رنجی که به فرزندان برسد، آنها بیشتر احساس رنج می‌کنند، گویی که همه آن رنج و سختی به جان آنها وارد شده است. با آسایش و راحتی فرزندان، راحت و دل خوش و با ناراحتی و رنج آنها غمگین و ناراحت هستند. این حالات در امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت به شیعیانش بسیار شدیدتر از والدین است. رنج و سختی شیعیان برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سخت است بلکه سختی و رنجی که در مصائب و گرفتاری‌های شیعیان به ایشان می‌رسد بیش از آن چیزی که به خود شیعیان می‌رسد. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دل نگران و مراقب اوضاع شیعیان و دوستان خود است، شریک غم‌های آنهاست و در مصائب آنها مصیبت زده و گریان است. والدین با این اعتقاد باید به فرزندان‌شان محبت امام زمان علیه السلام را منتقل کنند؛ زیرا حضرت مهدی علیه السلام شیعیان خود را به‌خاطر خودشان دوست دارد نه به‌خاطر نیازش به آنها.

۲-۴-۲. پیوند عاطفی خانواده با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با اراده خداوند متعال شاهد و گواه بر اعمال است و از شیعیان انتظار دارد که اهل صلاح و تقوا باشند، یک خانواده با رسیدن به اعتقاد و معرفت کافی، خود را ملزم می‌داند که در برابر محبت و لطف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اموری که سبب رضایت و نزدیک شدن به ایشان می‌شود، انجام دهد.

۲-۴-۳. ترجیح دادن خواسته امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر خواسته خود

خانواده باید همیشه در هر امری که می‌خواهد انجام دهد، بیندیشد که آیا موافق رضای آن حضرت است یا خیر؟ منصور بزرگ آورده است که به امام صادق علیه السلام عرضه داشتیم: «ای سرور من! چه بسیار از شما یاد سلمان فارسی را می‌شنوم؟ فرمود: مگو سلمان فارسی، بلکه بگو: سلمان محمدی علیه السلام. آیا می‌دانی چرا بسیار از او یاد می‌کنم؟ عرض کردم: نه. فرمود: برای سه صفت: مقدم داشتن خواسته امیرمؤمنان علیه السلام بر خواسته خودش و...». همانگونه که در این روایت ذکر شد، مقدم داشتن خواسته امام که خواسته خدا نیز هست، واجب‌تر است و بر صلاح خود و انسان را به درجات بالای ایمان می‌رساند. (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۳، ۳۶۸/۲ و ۳۶۹) در عصر غیبت، حضرت در توقیعی به صورت عمومی پاسخ داده و وظیفه همه شیعیان را معین نمود: «اما در مورد حوادثی که روی می‌دهد به راویان احادیث ما رجوع کنید که آنها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنها هستم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۸۰/۷۵).

۲-۴-۴. دعا برای امام

در روایتی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید: «در تعجیل فرج زیاد دعا کنید که تعجیل فرج، گشایش کار خود شماست». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۸۰/۵۳) ابن طاووس در نامه به فرزندش فرمود: «اگر دعا برای برادران مؤمن تا این حد ارزشمند است، دعا برای امام زمانت چگونه خواهد بود؟ آن پادشاهی که سبب وجود توست و تو خود معتقدی که اگر او نبود، خداوند نه تو را می‌آفرید و نه دیگری را و می‌دانی که آن وجود شریف واسطه لطفی است که سبب تمام نعمت‌هاست. پس تا می‌توانی مواظب باش دیگری را در محبت و دعا بر او مقدم نداری و هنگامی که خواستی برای

آن مولای عظیم الشأن دعا کنی با تمام وجود دعا کن. مبادا! فکر کنی او به دعای تو محتاج است، هرگز! چنین نیست و هرکس چنین فکری کند بیمار است. اینکه می‌گویم برای او دعا کن، فقط برای این است که او حق بزرگی بر تو دارد و بسیار در حق تو احسان نموده است و اگر قبل از دعا برای خودت برای او دعا کنی، ابواب اجابت زودتر به رویت گشوده می‌شود؛ زیرا تو با گناهات باب دعا را بر روی خود بسته‌ای، ولی هنگامی که برای آن مولایی دعا کنی که از خواص درگاه خداست، به احترام او باب اجابت به رویت گشوده می‌شود و آنگاه خود و همه کسانی که در حقشان دعا می‌کنی بر خوان و احسان او می‌نشینند و مشمول رحمت، کرم و عنایت الهی می‌شوید؛ چون خود را به او مرتبط کرده‌اید. مبادا! به استناد عمل فلان شیخ و فلان شیخ که هرگز در حق آن حضرت دعا نمی‌کنند، بلکه اصلاً از او غافلند و هرگز نامی از او نمی‌برند از دعا به آن حضرت غافل شوی که غفلت از یاد او اشتباهی فاحش است. پس به آنچه گفتم عمل کن که حق واضح همان است». (حلی، ۱۴۰۶، ص ۱۱۲ و ۱۱۳)

۲-۴-۵. ذکر امام زمان (عج)

ذکر امام، هم به یاد او بودن است و هم یاد کردن از او. اولی یک عمل قلبی است و دومی یک عمل خارجی. اولی برای خود انسان است و دومی هم برای خود و هم برای دیگران. خانواده در برابر فرزندانش و هم دیگران باید موجبات یاد امام (عج) را برای خود و فرزندانش فراهم کند تا نه خود و نه آنها از حضرت غافل نشوند. (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۳، ص ۳۷۴)

۲-۴-۶. سلام دادن به امام زمان (عج)

امام زمان (عج) فرمود: «هر زمان قصد کردید به سبب ما، به سوی خداوند و به سوی ما توجه کنید، بگویید: سلام علی آل یس...». بنابراین، خانواده باید با این سلام و به صدای مهربان به حضرت سلام کند تا ملکه فرزندانشان شود. (طبرسی، ۱۴۰۳، ۲/ ۴۹۲ و ۴۹۳)

۲-۴-۷. به پا خاستن هنگام یاد شدن نام یا القاب امام زمان (عج)

پا خاستن هنگام یاد شدن نام یا القاب شریفه آن حضرت (عج) که سیره و شیوه شیعیان دوازده امامی بر این اساس است و شاهد بر این اضافه بر تعظیم و احترام بودن این عمل که خود

مطلوب است، روایتی است که در کتاب النجم الثاقب از سید عبدالله نواده سید نعمت الله جزائری آورده است: «روزی حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در مجلس امام صادق علیه السلام یاد شد، پس امام صادق علیه السلام به منظور تعظیم و احترام اسم آن حضرت بپا ایستاد». (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۳، ۲/۲۱۶)

۲-۴-۸. صدقه دادن به نیابت و به قصد سلامتی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام صادق علیه السلام فرمود: «که هیچ چیز نزد خدا از صرف نمودن مال برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف محبوب تر نیست و به درستی که خداوند در عوض یک درهم که مؤمن از مال خود به مصرف امام برساند به اندازه کوه احد در بهشت به او عطا می فرماید». (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۳، ۲/۳۵۱) بنابراین، خانواده باید صدقه دادن را با دست های فرزندان شان بدهند تا یک آموزش عملی صورت بگیرد و معنا و لذت آن را بدانند که صدقه دادن نوعی ابراز علاقه و اهمیت خود نسبت به سلامتی وجود مقدس حضرت است و نوعی اثر تربیتی دارد که نباید هیچ شخصی عزیزتر و گرامی تر از وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد بلکه حضرتش باید محبوب تر از نفس باشد و این عمل راه و سببی است برای جلب رضای پروردگار و حصول قرب به خداوند در قضای حوائج و دفع بلاست.

۲-۴-۹. محبوب نمودن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان مردم

هرکس محبتش واجب و نیکوست، سزاوار است او را محبوب نمود. امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند رحمت کند بنده ای را که مودت مردم را به سوی ما کشاند و به آنچه می شناسند با آنان سخن بگوید و آنچه را منکرند، واگذارد» (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۳، ۲/۱۸۳). خانواده ای که انس و ارتباط با حضرت دارد به طور طبیعی به دنبال نزدیک کردن مردم و جلب توجه آنان به سمت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۲-۴-۱۰. شرکت در مجالس ذکر اهل بیت علیهم السلام

پیشوایان نسبت به تشکیل مجالس ذکر اهل بیت علیهم السلام و شرکت در آن مجالس توصیه های مؤکدی فرموده اند. امام صادق علیه السلام به داود بن سرحان می فرماید: «ای داود! سلام مرا به

دوستانم برسان و این سخن مرا [به ایشان برسان] که خداوند رحمت کند بنده‌ای را که وقتی با دیگری هست، درباره ولایت ما گفتگو می‌کند، در این صورت نفر سوم آنها فرشته‌ای است که برای آنها طلب مغفرت می‌کند و هیچ دو نفری با هم بر یاد کردن از ما اجتماع نمی‌کنند مگر آن که خدای تعالی به آن دو بر فرشتگان مباحثات می‌کند. پس هرگاه اجتماع کردید به «ذکر» بپردازید؛ زیرا اجتماع شما و یاد کردن شما، زنده کردن ماست و بهترین مردم بعد از ما کسانی هستند که درباره امر ما مذاکره کرده و به «ذکر» ما دعوت کنند». (مجلسی، ۱۴۰۳/۱، ۲۰۰) بنابراین باید خانواده‌ها تلاش کنند مراسم یا مجالسی برای اهل بیت (ع) برگزار کنند و با ذکر احادیث کوتاه از اهل بیت (ع) مجالس را تزیین کنند و ترتیبی اتخاذ کنند تا فرزندان مجالس حضرت مهدی (عج) و اهل بیت (ع) را از خود بدانند و در آن به دوستداران اهل بیت (ع) خدمت کنند. این کار کم کم محبت حضرت مهدی (عج) را در دل فرزندان پایدار می‌کند.

۲-۴-۱۱. سرودن و خواندن شعر در فضایل و مناقب امام

خانواده‌ها می‌توانند از طریق سرودهای مذهبی و خواندن شعر برای فرزندان راه شناخت و معرفت امام زمان (عج) را فراهم کنند و از این طریق فرزندان هم دوستدار آن حضرت شده و مداوم به ذکر و یاد ایشان می‌پردازند که این دو عمل نوعی یاری کردن امام به شمار می‌آید. چنانچه در کتاب وسائل به طور مستند روایت شده است که امام صادق (ع) فرمود: «هر کس درباره ما یک بیت شعر بگوید خداوند برای او خانه‌ای در بهشت خواهد ساخت» و نیز فرمود: «هیچ کس درباره ما بیت شعری نگوید مگر اینکه به روح القدس تأیید و یاری شده باشد».

(موسوی اصفهانی، ۱۳۸۳، ۲/۲۱۵)

۲-۴-۱۲. انتظار فرج و ظهور آن حضرت

از امام رضا (ع) آمده که فرمود: «چقدر خوب است صبر و انتظار فرج. آیا نشنیده‌ای خداوند فرموده است که چشم به راه باشید که من با شما چشم به راهم و همان طور که مراتب انتظار متفاوت است از نظر محبت نسبت به کسی که در انتظارش هستی نیز مراتب متفاوتی دارد، پس هرچه محبت شدیدتر و دوستی بیشتر باشد، مهیا شدن برای محبوب زیادتر می‌شود و فراقش

دردناک‌تر می‌گردد به‌گونه‌ای که منتظر از تمام اموری که مربوط به حفظ خودش هست، غافل می‌ماند و دردهای بزرگ و محنت‌های شدید را احساس نمی‌کند. خانواده می‌تواند با بیانی ساده این حس را برای فرزندان‌شان ترسیم کنند». (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۳، ۱۸۴/۲)

۲-۴-۱۳. اندوهگین بودن مؤمن از فراق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

از نشانه‌های دوستی و اشتیاق به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که مؤمن از فراق و دور ماندن از آن حضرت اندوهگین و مهموم باشد و این در کافی از امام صادق ع روایت شده است: «شخص مهموم به خاطر ما که غم و اندوهش به دلیل ظلمی است که بر ما رفته نفس کشیدنش تسبیح‌گویی است و هم او به خاطر امر ما عبادت است و پنهان داشتن سر ما جهاد در راه خداوند است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۳/۷۲).

۲-۴-۱۴. درخواست معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از خداوند

درخواست معرفت آن حضرت از خداوند از وظایف مهم است؛ زیرا که علم با آمرزش و درس خواندن بسیار نیست؛ بلکه علم نوری است که خداوند در دل هر کس که خواهد هدایتش کند قرار می‌دهد و هر که را خداوند هدایت کند هدایت یافته است. در اصول کافی از ابوبصیر از امام صادق ع درباره این فرموده خدا که «و هر کس که حکمت به او داده شود، خیر بسیار به او داده شده» (بقره: ۲۶۹)، فرمود: «این یعنی، طاعت خداوند و معرفت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف». (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۵ و ۲۲۶)

۲-۴-۱۵. تداوم به خواندن دعای غریق

مداومت کردن بر خواندن دعایی که شیخ صدوق به سند خود از عبدالله بن سنان روایت کرده که امام صادق ع فرمود: «پس از این شبهه‌ای شما را خواهد رسید که از آن نجات نمی‌یابد مگر کسی که دعای غریق را بخواند. راوی گوید که عرضه داشتیم که دعای غریق چگونه است؟ حضرت فرمود: چنین بگوید: یا الله یا رحمن یا رحیم یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّثْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ؛ ای خداوند! ای رحمان! ای مهربان! ای دگرگون‌کننده دلها! دل مرا بر دینت پایدار کن. راوی گوید که من گفتم: یا الله یا رحمن یا رحیم یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ ثَبِّثْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ، فرمود: البته

خداوند دگرگون کننده دل ها و دیده هاست، ولی همین طور که من می گویم تو نیز بگو: یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّثْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ». (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۳، ۲/۲۲۹)

۲-۴-۱۶. گریستن در مصیبت امام حسین (علیه السلام) و زیارت قبرشان

امام مهدی (علیه السلام) در زیارت ناحیه مقدسه می فرماید: «اگر روزگار مرا به تأخیر انداخت و مقدرات از یاری و نصرت تو (در روز عاشورا) بازداشت، هرآینه من صبح و شام بر تو ندبه می کنم و به جای اشک بر تو خون می گیریم». از آنجا که امام حسین (علیه السلام) با تمام وجود همه توانمندی ها و سرمایه های خود را ایثار کرد تا اسلام را از خطر نجات دهد، امام زمان (علیه السلام) نیز تصریح می دارند که همیشه به یاد ایثارگری و فداکاری های آن حضرت هستند و شب و روز با یادآوری مصیبت هایی که بر ایشان روا داشته شد، خون گریه می کند. این تعبیر نهایت محبت و ارتباط حضرت مهدی (علیه السلام) را به سید الشهداء (علیه السلام) نشان می دهد و ضرورت زنده نگه داشتن خاطره اباعبدالله (علیه السلام) از جمله از طریق عزاداری برای آن حضرت را مورد تأکید قرار داده و عمق فاجعه کربلا و جنایت بنی امیه به اسلام و انسانیت را افشا می کند. پس گریه کردن و هر قطره از اشک بر امام حسین (علیه السلام) نه فقط ثواب دارد بلکه از واجبات یک دوستدار است؛ زیرا براساس روایات نقل شده که این کار از اموری است که با آن حق امام (علیه السلام) ادا می شود و بدون تردید ادای حق آن حضرت از عظیم ترین و مهم ترین وسایل تقرب یافتن به اهل بیت (علیهم السلام) است. پس هرگاه مؤمن در مصیبت امام حسین (علیه السلام) گریه کند، حق امامی که بعد از آن حضرت باقی مانده را در آن فاجعه بزرگ ادا کرده؛ چون این کار موافقت نمودن با امام (علیه السلام) و یاری کردن او و تقرب یافتن به او و تسلی دل اوست، نه اینکه حق امام را از هر نظر و در هر جای رعایت کرده باشد. (موسوی اصفهانی،

۱۳۸۳، ۲/۴۷۳ و ۴۷۴)

اول) محبت و دوستی

شناخت حضرت به هر میزان بیشتر باشد، محبت نیز بیشتر می‌شود. خانواده‌ای که با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف انس پیدا کرده است، این انس همیشه در طول حب الله است و تا حقیقت محبت خدا در قلب کسی ثابت نشود، نمی‌توان محبت‌های دیگر را داشته باشد. امام رضا علیه السلام فرمود: «... و هرکس دوست می‌دارد خداوند را ملاقات کند درحالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد باید که ولایت حجت صاحب الزمان منتظر را دارا باشد. پس اینان چراغ‌هایی در تاریکی و امامان هدایت و نشانه‌های تقوی هستند. هر کس آنان را دوست بدارد و ولایتشان را دارا شود من برای او ضمانت می‌کنم که خداوند او را به بهشت خواهد برد». بنابراین، این شوق و علاقه باعث تلاش بیشتر برای نزدیک شدن به امام می‌شود تا با تزکیه و خودسازی، خود را به آن الگوی واقعی و انسان کامل نزدیک تر سازد و سعادت دنیا و آخرت را رقم زند و در نتیجه دوستدار دوستداران حضرت نیز می‌شود. (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۳، ۱۸۱/۲؛ سلیمیان، ۱۳۸۶، ۱۲۳/۱-۱۲۴).

دوم) تقوا

امام صادق علیه السلام فرمود: «اتق الله و کن حیث شئت و من ای قوم شئت، فانه لا خلاف لاحد فی التقوی، و التقوی (و التقی) محبوب عند کل فریق، و فیه اجتماع (جماع) کل خیر و رشد، و هو میزان (میراث) کل علم و حکمة، و اساس کل طاعة مقبولة...». تقوی از وقایه است به معنی حفظ و نگهداری و حق به معنی ثابت و صحیح و متحقق است. مقابل حق، باطل است و آن چیز است که ثبوت نداشته و روی اساس و پایه محکم برقرار نباشد. در عالم وجود آنچه ثابت و برقرار و ازلی و ابدی و بی‌نیاز است، وجود خداوند متعال است، بقیه همه باطلند و بهترین تعبیر از باطل همان است که در متن کتاب ذکر شد: «هو ما یقطعک عن الله». از اینجا معلوم می‌شود که حقیقت تقوی عبارت است از: خودداری از باطل و حفظ خود از هر آنچه انسان را از رسیدن به



حق و از گرفتن وجهه و راه حق و از اتصاف به صفات و اسماء حق، جلوگیری نماید. پس خانواده‌ها و فرزندان باید تقوا پیشه کنند که تقوی مجمع همه خیر و رشد و کمال است، از چشمه معرفت سرازیر می‌شود و از طریق آن در ظل نفوذ و حکومت و سیطره احدیت قرار می‌گیرند. تقوی صفتی است که با افاضه و اطلاع و توجه خداوند متعال پابرجا تر می‌شود و پایه همه سعادات و اساس هرگونه خیر و برکت و رحمت است و برای رسیدن به تمام این نعمت‌ها و مورد توجه خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باید خانواده هرآنچه موجب جدا شدن از خدا و امام باشد، دوری کنند. (مصطفوی، ۱۳۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲/۱۴۰)

سوم) خوش خلقی

براساس روایاتی که از ائمه اطهار علیهم السلام آمده است: در معنای حسن خلق از امام صادق علیه السلام فرمود: «لَمَّا سُئِلَ عَنْ حَدِّ حُسْنِ الْخُلُقِ: ثَلَاثُ جَانِبٍ، وَ تَطْيِيبُ كَلَامِكَ، وَ تَلْقَى أَخَاكَ بِبُشْرٍ حَسَنِ». امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش از معنای حُسن خلق فرمود: «حُسن خلق این است که نرم خو و مهربان باشی. گفتارت پاکیزه و مؤدبانه باشد و با برادرت با خوش‌رویی برخورد کنی». (صدوق، ۱۳۹۵، ۲۵۳/۱) بنابراین، خوش اخلاقی درست است که عدالت و شجاعت و... در برمی‌گیرد، ولی خوش اخلاقی که به صورت دائم با فرد و در کنار جامعه کاربرد زیادی دارد، خوش‌رویی و مؤدبانه رفتار کردن و کارهای زیبا با خلوص انجام دادن است که باید خانواده‌ها این امر را به فرزندان‌شان یاد بدهند و با رفتار و خوش‌رویی با ایشان رفتار شود تا حس ارتباط با حضرت را احساس کنند.

چهارم) دوری از رذایل

دوری از رذایل بدین معناست که از هر صفت درونی و ظاهری که ناپسند است و موجب قطع ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و عدم پذیرفتن اعمال شود، دوری کرد و از آن جلوگیری شود. صفات پلید می‌تواند ظلم، طمع، حسادت، بخل، دروغ‌گویی، خیانت، تکبر، کینه‌ورزیدن، دشمنی کردن، فخر فروشی، زورگویی، هواپرستی، نداشتن الگو و رهبر الهی، همنشینی با گناهکاران، رواج مفاسد اخلاقی، عدم بصیرت و رشد فکری باشد، اما آن چیزی که سبب مرگ جاهلیت شود عدم معرفت و نشناختن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

پنجم) جلوگیری از مرگ جاهلیت

راوی از امام صادق علیه السلام پرسید که آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «کسی که بمیرد و امامش را شناسد به مرگ جاهلیت مرده است؟». امام صادق علیه السلام فرمود: «آری». عرض شد: «این جاهلیت به معنی جاهلیت ایام نادانی قبل اسلام است، یا منظور جاهلیت عدم آشنایی با امام می‌باشد؟» امام فرمود: «جاهلیت او از سنخ جاهلیت کفار، منافقین و گمراهان است؛ یعنی جاهلیت مطلق است و گمراهی از امامت مساوی با گمراهی در همه مبانی دین خواهد بود. بنابراین، علاوه بر معرفت اصل ولایت و شناخت حق اهل بیت علیهم السلام شیعیان موظف به معرفت و اطاعت و تسلیم در برابر امام زمانشان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز هستند و معرفت ولایت، آنان را بی‌نیاز از معرفت آن حضرت نخواهد کرد». (بنی هاشمی، ۱۳۸۸، ۱۲۹/۳)

ششم) دوری از دنیا طلبی

زندگی دنیایی انسان سویی می‌تواند زمینه‌ساز سعادت ابدی باشد و از سوی دیگر ممکن است باعث شقاوت و بدبختی شود چنانکه در روایاتی از امام سجاد علیه السلام آمده است: «دنیا دو گونه است: دنیای رساننده و دنیای ملعون» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۹/۷۰)، دنیای «بلاغ» همان دنیایی که انسان را به اطاعت و قرب خدا می‌رساند و در نگاه پیشوایان دین ستوده شده است و دنیای ملعونه، دنیایی است که انسان را به غفلت کشانده و نابود می‌کند. به همین دلیل دنیا به شدت مذمت شده و گاهی مورد ستایش قرار گرفته است. چنانکه در نهج البلاغه آمده است که امام علی علیه السلام از سویی دنیا را «ماری سمی» و «کشنده‌ای تبهکار» توصیف کرده و از سوی دیگر می‌فرماید: «دنیا جای داد و ستد دوستان خداست که رحمت خدا را به دست می‌آورند و بهشت سودشان می‌شود» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱) و نیز می‌فرماید: «من أَبْصَرَ بِهَا بَصْرَتَهُ وَ مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۸۱). در این عبارت، حضرت علی علیه السلام به صراحت بیان می‌کنند که دنیا می‌تواند دو نقش مثبت و منفی، سازندگی و تخریب داشته باشد، هم می‌تواند مایه تربیت باشد و هم می‌تواند مایه نابینایی و گمراهی گردد. اگر به آن نگاه، نگری و توجه به دنیا نداشتی او را بینا و آگاه کرد (تا راه راست را یافته خود را آماده آخرت کند) و کسی که به زینت و آرایش آن نگاه

کرد، دنیا او را نابینا گردانید (که گمراه شد). بنابراین، خانواده‌ها باید دو راه دنیا را به فرزندان خود نشان دهند و آثار و اختلاف آن را روشن کنند و فقط امر و دستور نباشد بلکه با تبیین آثار بد راه درست را به فرزندان خود آموزش دهد که آثار دنیا طلبی عبارتند از: فراموشی، غفلت از آخرت، تباهی به خرد و آلودگی به انواع گناهان (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، ص ۱۸۱).

هفتم) جلوگیری از غرور و تکبر

اهل بیت علیهم‌السلام و حتی امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌التشریف به ترک و دوری از تکبر و غرور سفارش نموده‌اند. در روایتی از امام کاظم علیه‌السلام نقل شده است که می‌فرماید: «کشت و زراعت در روی خاک می‌روید نه بر روی سنگ سخت، همین‌طور حکمت قرار می‌گیرد در قلب متواضع و جای در دل متکبر ستمگر نمی‌گیرد؛ زیرا خداوند تواضع را ابزار عقل قرار داده و تکبر را آلت و ابزار جهل». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۹۶/۷۵) این صفت یکی از سه موانع بزرگ دیدار با حضرت هست و هم آثار بسیار زیانباری بر روح و روان و اعتقادات و افکار افراد دارد. به‌گونه‌ای که تمام زوایای زندگی فردی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد و عدم درمان آن سبب می‌شود که شخص متکبر از رشد و کمال محروم شود و به کفر و شرک و انواع گناهان گرفتار شود.

۳. نتیجه‌گیری

کارکردهای اعتقادی ارتباط معنوی با امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌التشریف در عرصه خانواده شامل چند بخش است که عبارتند از: معرفت امام، اعتقاد به وجود امام، اعتقاد به عرضه اعمال، اعتقاد به هدایتگری امام و اعتقاد به دعا کردن امام و اهتمام ایشان به شیعیان. خانواده با کسب این معرفت تلاش می‌کند امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌التشریف را به‌گونه‌ای معرفی کند که به جای ترس و وحشت از ایشان محبت و دوستی در دل آنان ثابت شود. عدم وجود معرفت به حضرت منجر به مرگ جاهلیت می‌شود. همچنین اعتقاد به هدایتگری و عرضه اعمال، اعتقاد به دعای حضرت و اهتمام ایشان به شیعیان لطفی است که موجب می‌شود محبت و دوستی بیشتر شود. کارکردهای عاطفی ارتباط با امام زمان علیه‌السلام در عرصه خانواده شامل دو بخش است: محبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌التشریف و پیوند

خانواده با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. همچنین کارکردهای اخلاقی شامل دو بخش می باشد: رشد فضایل و دوری از رذایل که هر کدام از آنان به اقسام مختلفی تقسیم می شود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۹). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
- * نهج البلاغه (۱۳۸۷). مترجم: شیروانی، علی. قم: انتشارات دارالعلم.
۱. بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی الفبایی عربی - فارسی. مترجم: مهیار، رضا. تهران: اسلامی.
۲. بنی هاشمی، محمد (۱۳۸۳). معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف. تهران: نیک معارف.
۳. بنی هاشمی، محمد (۱۳۸۸). حلقه سوم: سلسله درس های مهدویت: شناخت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف. تهران: منیر.
۴. حرعالمی، محمد بن حسن (۱۳۷۰). اثبات الهداة بالنصوص والمعج الله تعالی شریفات. مصحح: اعلمی، علاء الدین. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۵. الحسینی الزبیدی، محمد مرتضی (۱۳۸۸ ه.ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالهدایه.
۶. حسینی، حسین (۱۳۹۱). پژوهشی در نام ها و القاب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف. تهران: نشر آفاق.
۷. حلّی، ابن طاووس (۱۴۰۶). السائل و نجاح المسائل. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۸. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۶). درسنامه مهدویت. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۹. شجاعی، محمد (۱۳۸۱). آشتی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. تهران: محیی.
۱۰. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۷۷). منتخب الاثر. قم: مؤسسه السیده المعصومه عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۹۸). الخصال. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه.
۱۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۹۵). کمال الدین و تمام النعمة. مصحح: غفاری، علی اکبر. تهران: اسلامیه.
۱۳. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳). الاحتجاج علی أهل اللجاج. مصحح: خراسان، محمد باقر. مشهد: نشر مرتضی.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. مصحح: یزدی طباطبائی، فضل الله. و رسولی، هاشم. تهران: ناصر خسرو.
۱۵. عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات راه رشد.
۱۶. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی (۱۳۶۵). ترجمه و شرح نهج البلاغه. تهران: چاپخانه سپهر.
۱۷. قرآنی، محسن (۱۳۹۳). تمثیلات مهدوی. قم: مؤسسه بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۸. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۹. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹). الخرائج و الجرائح. مصحح: مؤسسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. قم: مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹). اصول الکافی. تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامیه.
۲۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. مصحح: جمعی از محققان. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۴). آفتاب ولایت. حیدری کاشانی، محمد باقر. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه.
۲۳. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). مصباح الشریعة. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.



۲۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه. قم: نسل جوان.
۲۵. موسوی اصفهانی، محمدتقی (۱۳۸۳). مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم. مترجم: حائری قزوینی، مهدی. قم: مسجد مقدس جمکران.
۲۶. نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۳۵۹). غیبت نعمانی. مترجم: احمد فهری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. نهاوندی، علی اکبر (۱۳۸۸). العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه. قم: کتاب جمکران.